

مدیریت مشارکتی گردشگری روستایی و نقش آن در توسعه پایدار

مرضیه هادی پور^{۱*} رباب لاسمی پور^۲ آسیه اسماعیلی^۳

۱. کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه ریزی روستایی - دانشگاه شهید بهشتی
۲. کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه ریزی روستایی - دانشگاه شهید بهشتی
۳. دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه ریزی روستایی - دانشگاه فردوسی مشهد

چکیده:

امروزه توسعه روستایی یکی از معضلات کشورها و دولت‌ها، به ویژه کشورهای در حال توسعه است. روستاها با دارا بودن منابع طبیعی و کشاورزی، با مسائل و مشکلات فراوانی روبه‌رو هستند. این مساله باعث شده است که در سال‌های اخیر بار دیگر، توسعه روستایی مورد توجه نظریه‌پردازان، برنامه‌ریزان و مجریان حکومتی قرار گیرد. یکی از راهبردهایی که اخیراً در اغلب کشورهای جهان مورد توجه قرار گرفته و حتی در برخی از این کشورها به اجرا در آمده است و نتایج مثبتی به همراه داشته، توسعه و گسترش گردشگری در نواحی روستایی می‌باشد. بنابراین هدف از این پژوهش بررسی مدیریت مشارکتی گردشگری روستایی و نقش آن در توسعه پایدار است. نوع تحقیق کاربردی و روش مورد استفاده توصیفی - تحلیلی و برای گردآوری اطلاعات از مطالعات کتابخانه‌ای بهره گرفته شده است. یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد که ارزیابی‌های متعدد از برنامه‌های توسعه و عمران روستایی ایران ناخواسته در راستای توسعه شهری و نادیده گرفتن مشارکت روستاییان در برنامه‌ریزی توسعه روستایی حرکت کرده‌اند، با وجود این، مردم روستایی این توانایی را دارند که بهتر از دیگران به برنامه‌ریزی بپردازند. در این راستا، گردشگری روستایی این ظرفیت را در اختیار برخی از روستاهای دارای منابع گردشگری قرار می‌دهد که با استفاده از فرصت پدید آمده خودشان را برای آینده‌ی گردشگری روستایی و توسعه‌ی روستایی خود مشارکت و برنامه‌ریزی کنند و در نهایت راهکارهای برای بهبود مدیریت مشارکتی گردشگری روستایی ارائه داده شده است.

واژه‌های کلیدی: مدیریت مشارکتی، مشارکت، گردشگری روستایی، توسعه‌ی پایدار

مقدمه

فرآیند تحولات اجتماعی- اقتصادی جوامع و گذار از شیوه‌های معیشتی سنتی و روی‌آوری به زندگی شهری به همراه فراهم شدن زیرساخت‌ها، توسعه حمل و نقل و ارتباطات، تمایلات مردم برای دوری از غوغای زندگی ماشینی و نظایر آن، به استفاده از مکان‌های خوش آب و هوای روستایی را برای تجدید قوا، تفریح و لذت بردن از طبیعت و استفاده مناسب برای گذران اوقات فراغت افزایش داده است (Gallent et al, 2005: 212) که این امر با توجه به ویژگی‌های منحصر به فرد گردشگری، از یک سو، به عنوان ابزاری برای تلفیق فضای فیزیکی و جامعه انسانی مطرح می‌شود که می‌تواند پیامدهای متعددی در ایجاد اشکال جدید زندگی و تغییر در ارزش‌ها و نگرش‌های انسان، دسترسی به اطلاعات و... در جامعه داشته باشد- (Friedel et al, 2008:29) و از طرفی دیگر، با دارا بودن ماهیت چند بعدی خود، علاوه بر تأمین نیاز گردشگران، منجر به بروز تغییرات عمده‌ای در سیستم جامعه میزبان می‌شود- (Dwyer et al, 2009:63) (76). در کشور ایران اقتصاد متکی به نفت موجب رکود بخش کشاورزی، مهاجرت روستاییان و از بین رفتن بخش زراعی و نهایتاً نابودی بسیاری از روستاها و رکود بخش کشاورزی و زاغه‌نشینی در شهرها شده است. به منظور مقابله با این معضلات و برای رونق بخشیدن به فعالیت‌های اقتصادی و ایجاد رشد و توسعه‌ای هماهنگ، بخش‌های صنعت و کشاورزی را می‌بایست بازسازی نمود. و در کنار آنها در جهت توسعه صنایع دیگر تلاش نمود.

یکی از انواع گردشگری، گردشگری روستایی است. گردشگری روستایی با ارائه جذابیت و ایجاد تمایل در استفاده از فضا و ویژگی‌های محیط روستایی برای گردشگران و همچنین کارکردی جهت بهبود و ارتقاء شاخص‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و زیست محیطی منطقه میزبان مورد توجه بسیاری واقع شده است. از این رو برنامه‌ریزان تلاش دارند تا با شناسایی مزیت‌ها و محدودیت‌ها، هم موجبات توفیق گردشگری روستایی را در پاسخگویی به نیازهای گردشگران فراهم آورده و هم موجبات اصلاح مناطق روستایی را فراهم سازند (پاپلی یزدی ۱۳۸۵: ۲۰۱). مناطق روستایی و حوزه‌های آنها از جمله بسترهای منابع طبیعی و منابع پایه (آب، خاک، جنگل، مرتع و جز این‌ها) هستند که لزوم حمایت از آنها در حفظ این منابع برای آینده‌گان در گرو توجه و ارائه برنامه‌های این مناطق است. علاوه بر اینها بهره‌وری پایین بخش کشاورزی، بیکاری زیاد در روستاها و تخریب رو به ازدیاد منابع طبیعی را اضافه نمود. لذا توجه به الگوها و گزینه‌های مدیریت جدید برای دستیابی به توسعه روستاها بسیار ضروری به نظر می‌رسد. همچنین اختلاف درآمد بین روستائیان و شهرنشینان شکل عمده‌ای است که امروزه در کشورهای جهان سوم وجود دارد. در روستاهای این کشورها استانداردهای زندگی پایین است. لذا روستائیان به دنبال راه‌های جدید برای کسب درآمد هستند. به طوری که در نواحی مساعد با قابلیت گردشگری روستایی می‌تواند به عنوان یک منبع مهم درآمد برای روستائیان و کشاورزان باشد (Frederick, 1992:52).

مدیریت امور گردشگری در سطح ملی (ایران) از وظایف و مسئولیت‌های دولت است که خط مشی و سیاست‌های کلی وضع مقررات، ترتیبات اداری، منابع مالی، سهم هر یک از بخش‌های عمومی یا خصوصی توسط دولت مشخص می‌شود. در برخی از کشورها برنامه‌ریزی گردشگری در این سطح به صورت نیمه دولتی و حتی غیردولتی و خصوصی انجام می‌گیرد، به این ترتیب برنامه‌ریزی و مدیریت گردشگری روستایی وظیفه‌ی تعداد زیادی از سازمان‌های بخش دولتی و خصوصی و شوراهای اسلامی روستاهاست که به طور مستقیم و غیر مستقیم در گردشگری دخالت دارند. در واقع مدیریت گردشگری به عنوان یک وزنه تعادلی در چهارچوب دستیابی به گردشگری پایدار می‌باشد. هر گونه ناکارآمدی مدیریت گردشگری بنا به پیچیدگی جریان گردشگری در عصر حاضر پیامدهای منفی بسیاری به همراه دارد از این رو اهمیت بررسی مدیریت گردشگری راهکاری مناسب برای سنجش وضعیت و پیامدهای جریان گردشگری می‌باشد (پایلی یزدی: ۱۳۸۵: ۶)، با توجه به اینکه مدیران و مسئولین دولتی با وجود وضع قوانین حمایتی برای این صنعت، نتوانسته‌اند به اهداف اصلی خود برسند، نیاز به بازنگری و تغییراتی در ساختار ساختمان این صنعت در کشورمان ضروری احساس می‌شود. زیرا نقش اساسی مدیریت در صنعت گردشگری (با توجه به پتانسیل گردشگری) در کشور ما کم رنگ است و نداشتن مدیریت و برنامه‌ریزی اساسی برای انجام طرح‌های گردشگری باعث عقب ماندگی کشور از عرصه رقابت می‌شود و برای رسیدگی به این اصل باید برنامه‌ریز اساسی (یعنی مدیران با سواد، با تجربه و با استعداد) را در اختیار داشته باشیم. لازم به ذکر می‌باشد که با برنامه‌ریزی دقیق و اجرای برنامه‌ها به شیوه کارآمدی و مؤثر مدیران می‌تواند اثر بخش باشد. لذا با برنامه‌ریزی جامع و فراگیر است که می‌توان منافع بالقوه توسعه گردشگری و پتانسیل جامعه و هزینه‌های زیست محیطی آن را بررسی کرد. بنابراین می‌توان گفت که توجه به امر بررسی و دیدگاه ساکنان مناطق گردشگری به عنوان جامعه میزبان گردشگران نسبت به حضور گردشگران در جوامع‌شان و درک آنان از اثرات این صنعت جهت برنامه‌ریزی در توسعه گردشگری ضروری است. هدف از این پژوهش بررسی مدیریت مشارکتی گردشگری روستایی و نقش آن در توسعه پایدار می‌باشد.

پیشینه تحقیق

پاپزن و همکاران (۱۳۸۹) در تحقیق خود با عنوان "وضعیت گردشگری روستایی در روستای خانقاه از دیدگاه اهالی روستایی" با استفاده از تئوری بنیانی نشان داده است که استدلال مردم روستا این بود که چون از لحاظ مالی و اقتصادی مستقیماً سودی به ما نمی‌رسد، در مشارکت شرکت نمی‌کنند. لذا روستاییان هر جا که پای منافع مالی در میان باشد سریعاً به شکل صوری و ظاهری حضور پیدا می‌کنند، اما بایستی به مردم فهماند و آموزش داد که منافع و مزایای درآمد از راه گردشگری بسیار فراتر از چیزی است که آنها تصور می‌کنند. و بایستی به آنها مسئولیت واگذار کرد و آنان را عملاً درگیر کارهای عمرانی روستا نمود. بررسی و اظهارات مصاحبه شونده‌گان در تحقیق نشان داد که مشکلات اداری، مشارکت ندادن مردم در فرآیند تصمیم‌گیری، عدم نظارت مستمر از سوی کارگزاران، بی‌توجهی به نقش دهیاران و عدم حمایت کافی دولت

از رهبران محلی، همه و همه از عواملی هستند که زمینه را برای عدم توفیق طرح گردشگری روستایی فراهم می‌سازند.

رضوانی (۱۳۸۲) در مقاله‌ی خود، گردشگری خانه‌های دوم در نواحی روستایی را بررسی کرده و نتیجه می‌گیرد که به دلیل عدم برنامه‌ریزی و ضعف مدیریت از فرصت‌های موجود در منطقه مورد مطالعه (شمال تهران) در زمینه گردشگری و برآوردن نیازهای اجتماعی - اقتصادی جوامع روستایی به خوبی بهره گرفته نشده که خود منجر به پیامدهای نامطلوبی در زمینه‌های اجتماعی - اقتصادی و زیست محیطی شده است. معتمدی مهر و موسی پور (۱۳۸۵) در مقاله‌ای خود، قابلیت‌های گردشگری روستایی شهرستان بندرانزلی را بررسی کرده‌اند. نتیجه مطالعه‌ی آنها نشان داد که علی‌رغم قابلیت‌های بالای گردشگری در مناطق روستایی شهرستان، کم‌تر به آن توجه شده و برای بهره‌برداری بهتر، نیازمند مدیریت و برنامه‌ریزی از پایین به بالا می‌باشد.

آمار (۱۳۸۵) در مقاله خود در زمینه گردشگری خانه‌های دوم در نواحی روستایی بخش خورگام شهرستان رودبار به این نتیجه رسید که گسترش خانه‌های دوم متأثر از رویط خویشاوندی و مهاجرت معکوس (شهر به روستا) می‌باشد که فاقد برنامه‌ریزی، نظارت و کنترل بوده و همچنین به صورت خودجوش مکان‌یابی شده است.

قدمی و همکاران (۱۳۸۸) در مطالعه خود با عنوان "بررسی نقش گردشگری در تغییرات کاربری اراضی مقصد در بخش مرکزی شهرستان نوشهر" بر این باورند که الگوی کاربری اراضی حوزه مورد مطالعه طی دوره ۱۳۳۵ تا ۱۳۸۵ دچار تغییرات گسترده‌ای شده است. سهم ساخت و سازها مربوط به فعالیت گردشگری از جمله خانه‌های دوم و مجتمع‌های مسکونی رفاهی در طی دوره زمانی مورد مطالعه از عوامل اصلی و مهم بروز تغییرات بوده است. رشد لجام گسیخته ساخت و سازهای گردشگری و تغییرات کاربری اراضی زراعی و باغات و تخریب اراضی جنگلی شواهدی از الگوی نامطلوب توسعه گردشگری در حوزه‌ی مذکور است. خوشرو (۱۳۸۸) در پایان‌نامه تحت عنوان «بررسی قابلیت‌ها و تنگناهای توسعه گردشگری روستایی با تأکید بر روستاهای هدف (نمونه موردی: دهستان شیرین‌دره شهرستان قوچان)»، به این نتیجه دست یافته است که وجود گردشگران در منطقه و برخورد آنها با مردم تأثیری در تغییرات فرهنگی - اجتماعی روستاییان منطقه نداشته است. در زمینه اقتصادی نتوانسته برای جوامع روستایی مفید باشد، فقط روستاییان از فروش محصولات باغی خود به گردشگران درآمدی کسب می‌کنند و تا حدودی بیکاری در این زمینه کاهش یافته و درآمدی عاید روستاییان می‌شود و پیامدهای زیست محیطی از جمله تخریب درختان و منابع طبیعی و آلوده کردن منابع آب منطقه را در پی داشته است.

رومیانی (۱۳۹۲) در پایان‌نامه خود تحت عنوان "ارزیابی نقش جریان سرمایه‌های شهری - روستایی در توسعه پایدار گردشگری در دهستان حصار ولیعصر - شهرستان بوئین زهرا" استفاده از روش‌های توصیفی - تحلیل و میدانی به این نتیجه رسیدند که از دیدگاه ساکنین محلی توسعه گردشگری در ابعاد اقتصادی،

اجتماعی- فرهنگی، زیست محیطی و کالبدی توسعه روستایی را به دنبال داشته است. بر اساس دوره‌های قبل و بعد، بیشتر سرمایه‌گذاری انجام گرفته در دوره‌های بعد انجام گرفته است و زمینه را برای جذب سرمایه‌گذاری در گردشگری (خانه‌های دوم) فراهم کرده است. و در نهایت بیشتر سرمایه‌گذاری‌های انجام گرفته شهری در توسعه گردشگری در ساخت خانه‌های چند طبقه و توسعه باغات خانوادگی صورت پذیرفته است. بنابراین مروری کلی در ادبیات تحقیق و پیشینه تحقیقات دیگر نشان می‌دهد که گردشگری روستایی در ایران به صورت یک پدیده خود برانگیخته بوده که دارای عدم انسجام و برنامه‌ای نامنظم و کنترل نشده است و از مدیریت صحیح برخوردار نیست، لذا جهت توسعه و بهره‌برداری بهینه و کاربرد و نقش آن در توسعه روستایی نیاز به بازنگری و برنامه‌ریزی مدون و دقیقی در ساختار گردشگری روستایی کشور می‌باشد.

مبانی نظری

صنعت گردشگری سومین پدیده اقتصادی پویا و در حال توسعه پس از صنعت نفت و خودرو به شمار می‌رود و سازمان توسعه و همکاری جهانی این صنعت را پس از بانکداری دومین بخش خدمات در تجارت بین‌المللی خوانده است (OECD, 2001). گردشگری روستایی می‌تواند به مثابه یکی از گزینه‌های مناسب برای درآمدزایی و ایجاد شغل و تحولات دگرگونی‌های مثبت در درآمدهای روستایی در نظر گرفته شود. توسعه‌ی گردشگری روستایی به عنوان بخشی ارزشمند و رشد یابنده در زمینه رهیافت اقتصادی مطرح است (ریچارد شارپلی، ۱۳۸۰: ۲۶۲).

مشارکت

این کلمه از ریشه Participation کلمه مشارکت معادل اصطلاح Part است. به معنای قسمت جزء و بخش گرفته شده است و به سهم شدن در چیزی و یا گرفتن قسمتی از آن است. در فرهنگ معین، مشارکت معادل شرکت کردن، انباری کردن و یا تعیین سود و زیان دو یا چند تن که با سرمایه‌های معین در زمان‌های مشخص به بازرگانی پرداخته‌اند، تعریف شده است (معین ۱۳۶۳: ۴۱۲۷). در همین رابطه ونگ، مشارکت را فرآیندی غیر متمرکز می‌داند که امکان توزیع منابع، فرصت‌ها، آموزش و قدرت تصمیم‌گیری در سطوح بزرگ و پایین را میسر می‌سازد تا مردم بتوانند نقشی بسیار مؤثر در توسعه ایفا کنند. (Wang, 2006: 28). همچنین الغنمی (۱۳۷۰) در تعریف مشارکت معتقد است، مشارکت در مفهوم دقیق خود، به معنای توزیع مجدد قدرت اقتصادی و سیاسی به نفع تهیدستان روستایی که کنار گذاشته شده‌اند می‌باشد، بنابراین اظهار می‌کند این قشر باید قادر شوند از طریق موارد زیر در امور توسعه مشارکت کنند:

- مشارکت در قدرت سیاسی - اجتماعی با شرکت در تصمیم‌گیری‌ها از طریق سازمان‌ها به انتخاب خود؛
- مشارکت در قدرت اقتصادی از طریق افزایش دسترسی به امکانات تولید؛
- داشتن انگیزه برای کمک به افزایش تولید از طریق سازمان‌های نهادی؛

- سهیم شدن در پاداش‌ها و منافع رشد به منظور بهبود وضعیت تغذیه، مهارت‌های تولیدی و توانایی‌های انسانی و تبادل نیروی کار و محصول خود برای رفع نیازهای انسانی (الغمنی، ۱۳۷۰: ۶۰):

مدیریت مشارکتی و توسعه روستایی

مدیریت فرآیند به کارگیری مؤثر و کارآمد منابع مادی و انسانی در برنامه‌ریزی، سازماندهی، بسیج منابع و امکانات و هدایت و کنترل است که برای دستیابی به اهداف سازمانی و بر اساس نظام ارزشی مورد قبول صورت می‌گیرد (رضائیان ۱۳۷۹: ۶). مدیریت روستایی در واقع فرآیند سازماندهی و هدایت جامعه و محیط روستایی از طریق شکل دادن به سازمان‌ها و نهادهاست. این سازمان‌ها و نهادهای، ابزار و وسایل تأمین هدف‌های جامعه روستایی هستند، هدف‌هایی که مردم آن را ترسیم می‌کنند و می‌پذیرند (رضوانی، ۱۳۹۰: ۲۲۷). بنابراین توسعه روستایی، فرآیند افزایش انتخاب مردم، گسترش مشارکت مردم، تواناسازی مردم برای تصمیم‌گیری در شکل‌دهی فضای خویش، افزایش رفاه و خوشبختی، گسترش فرصت‌ها و ظرفیت‌های بالقوه، تواناسازی همه مردم به ویژه زنان، فقرا، کشاورزان خرده پا و ... برای سازماندهی فضای خویش و تواناسازی برای انجام کار گروهی است. در انگاره جدید، دموکراسی مشارکتی جایگزین دموکراسی نمایندگی می‌شود تا فضاهای واقعی مشارکت شهروندی و مشارکت در تصمیم‌گیری‌ها و اجرای آنها و تأمین نظارت عمومی میسر گردد، ایجاد نهادهای محلی و بومی در این فرآیند نقش مؤثری دارد (رضوانی ۱۳۹۰: ۲۲۹).

گردشگری (توریسم) روستایی

توریسم واژه‌ای فرانسوی و از ریشه تور می‌باشد، تور در زبان فرانسه به معنای "حرکت دورانی، عمل پیمودن، طی کردن، سیر کردن و گردش کردن" است و معادل فارسی آن گردشگری می‌باشد (بقایی و نوروزی، ۱۳۸۴).

گردشگری به مفهوم دقیق کلمه عبارت است از مسافرت شاخص که به طور موقت از محل مسکونی خود دور می‌شوند تا نیازهای حیاتی و فرهنگی و شخصی خود را به شکل مصرف‌کننده کالاهای اقتصادی و فرهنگی برآورده کنند (شهابیان ۱۳۸۴). همچنین کمیسیون جامعه اروپا در سال ۱۹۸۶ توریسم روستایی را چنین تعریف کرده است: توریسم روستایی تنها شامل گردشگری کشاورزی نیست، بلکه همه فعالیت‌های گردشگری در مناطق روستایی را شامل می‌شود، توریسم روستایی یک اصطلاح جامع است که در بردارنده مفاهیم گوناگونی مانند: گردشگری در طبیعت (اکوتوریسم)، گردشگری کشاورزی (اگروتوریسم)، گردشگری تاریخی، فرهنگی، هنری و ... می‌باشد (راسق قزلباش ۱۳۸۸: ۱۰۰).

توسعه پایدار

کمیسیون جهانی محیط زیست در سال ۱۹۸۷، توسعه پایدار را این طور تعریف کرده است: «توسعه و حفاظت از طبیعت (توسعه پایدار) جستجو برای روشی از پیشرفت اقتصادی که رفاه نسل‌های آینده را به خطر نیندازد. به سخن دیگر در گزارش براتلند درباره مفهوم توسعه پایدار آمده است: این نوع از توسعه

نیازهای نسل فعلی را بدون آسیب رساندن به ظرفیت‌های آینده که به نسل آتی متعلق است، پاسخگو است. این تعریف شامل سه عنصر کلیدی توسعه، نیازها و نسل آینده است. در این رویکرد نگهداری پتانسیل‌های طبیعی برای حال و آینده در خلال استفاده بهینه از زمین و ضایعات کم‌تر منابع تجدیدناپذیر مدنظر است و برای جلوگیری از آلودگی محیط‌های شهری و ناحیه‌ای، کاهش ظرفیت‌های تولیدی محلی، ناحیه‌ای و ملی، عدم حمایت از توسعه‌های زیان‌آور و جلوگیری از شکاف میان فقیر و غنی تأکید دارد و نیز راه رسیدن به این الگوها را از طریق برنامه‌ریزی شهری، روستایی، ناحیه‌ای و ملی در راستای نقش کنترل کاربری‌ها و کنترل بیشتر شهر و روستا می‌داند و به نقش دولت در برنامه‌ریزی‌ها اهمیت زیادی قائل است و معتقد است که دولت‌ها باید از محیط‌های زیست در سطوح مختلف حمایت گسترده‌ای نمایند. (حسین‌زاده دلیر، ۱۳۸۷: ۹۳ و ۹۴).

توسعه پایدار گردشگری و جایگاه مردم در آن

با استناد به تعریف سازمان جهانی جهانگردی، پیش نیاز توسعه‌ی پایدار گردشگری، تلفیق و هماهنگی اهداف اقتصادی، زیست محیطی، اجتماعی و فرهنگی است. این امر متضمن تأمین منافع دراز مدت جامعه میزبان، گردشگران میهمان و حفاظت از منابع طبیعی و میراث فرهنگی است از این نظر، برنامه‌ریزی و مدیریت گردشگری در واقع فعالیتی فرابخشی است که به رویکردی جامع و هماهنگی بخشی‌های مختلف مرتبط نیاز دارد. لذا از حدود بیست سال پیش، مفهوم گردشگری پایدار در نتیجه‌ی افزایش بحث‌های مقابله با نبود مدیریت گردشگری مطرح شده است. به نظر می‌رسد که گردشگر پایدار در مناطق توریستی نتیجه‌ی رابطه‌ی سه‌گانه میان گردشگری، مردم و محل سکونت آنها، مسافرت‌ها و صنعت گردشگری می‌باشد (Lane, 1994). در گذشته، صنعت گردشگری بر این رابطه‌ی مثلثی غلبه داشت اهداف گردشگری پایدار، برای تطبیق و تعادل بحران‌های این سه بخش مثلث ایجاد شده است و چنین تعادلی را در مدت زمان طولانی حفظ می‌کند. در واقع، گردشگری پایدار به سمت کاهش خطرات فرهنگی، رضایت گردشگران و افزایش رشد اقتصادی برای مدت زمان طولانی و حفظ تعادل بین ظرفیت رشد گردشگری و ضرورت‌های زیست محیطی در منطقه گرایش دارد.

اتکای اساسی رهیافت توسعه پایدار، جامعه مدنی است و آن در واقع نهادهای مستقل و خودجوش و مختاری است که فضای بین دولت متمرکز و پراکنده را پر می‌کند و اختیارات را با پاسخگوی مسئولان و مشارکت یا حوزه‌ی محیط طبیعی تأکید بر مردم همراه می‌سازد، جامعه مدنی بر بستر زیست منطقه این نظریه برای نیل به توسعه، اصالت دادن به روابط بوم‌شناسانه و روح همیاری اجتماعی و یکپارچگی نیازهای مادی و معنوی است (صرافی ۱۳۷۷: ۱۴۶).

اگر بپذیریم که مردم و اجتماع انسان‌ها بدنه‌ی اصلی و بطن توسعه‌ای همه جانبه، فراگیر و پایدار را تشکیل می‌دهند، توجه به این نکته نیز ضروری است که مردم در این چنین الگویی باید به مفهوم بسیط آن در نظر گرفته شوند؛ یعنی در چنین الگویی باید اکثریت ممکن مردم با وجود گوناگونی و تنوع اجتماعی،

اقتصادی، فرهنگی و... درگیر شوند و نه تنها مفهوم کمی مردم و اجتماع باید مدنظر باشد بلکه تمامی داشته-ها و دستاوردهای این مردم نیز باید مورد توجه قرار گیرند، چرا که مردم در ارتباط متقابل خود با محیط زیست طبیعی و انسانی در طول زمان به مجموعه‌ای از تجارب و سازگاری‌ها دست یافته‌اند که به صورت سازمان‌های مختلف تولیدی، اجتماعی و فرهنگی در قالب نظام‌های اجتماعی، اقتصادی، عرف محلی و دانش بومی تبلور یافته است (جمعه‌پور ۱۳۸۵: ۶۹)

گردشگری پایدار در بکارگیری ظرفیت‌های مناطق طبیعی برای احیاء و بهره‌وری منابع در آینده، کمک به شناخت آداب و رسوم و شیوه‌های زندگی مردم محلی برای کسب تجربه گردشگری، پذیرفتن سهم عادلانه مردم محلی از سودهای گردشگری و بالا بردن اشتیاق و انگیزه مردم محلی کاربرد دارد. این امور می‌تواند به درک و آگاهی از نقش گردشگری در رشد و توسعه بستر محیط و اقتصاد کمک کند و ضمن ایجاد عدالت توزیعی و عدالت جغرافیایی کیفیت زندگی جوامع میزبان را بهبود بخشد. این رابطه می‌تواند پیچیده و پویا و سازنده و یا مخرب باشد، از طرف دیگر گردشگری می‌تواند با مشارکت در اشتغال‌زایی و ایجاد درآمد، اقتصاد جوامع محلی را احیاء کند و نیز می‌تواند در تقویت فرهنگ محلی سهمیم باشد و در حفظ محیط زیست یا بازسازی محیط زیست طبیعی و ساخته دست بشر تغییر ایجاد کند. از طرف دیگر گردشگری قادر است، اقتصاد محلی را از جلوه بیندازد و کیفیت زندگی و محیط زیست جوامع محلی را پایین بیاورد. بنابراین هدف گردشگری پایدار این است که با حفظ منابع طبیعی در دراز مدت، بین این سه جزء تشکیل دهنده گردشگری اعتدالی موزون برقرار کند.

مدیریت روستایی و گردشگری روستایی

تنوع فعالیت در گردشگری روستایی، غیررسمی بودن و به عبارتی اختیاری بودن این فعالیت باعث می‌شود که مدیریت و تحت سود قرارداد آن با مشکلاتی برای جامعه روستایی مواجه شود. در عین حال، تنوع در خدمات گردشگری روستایی نیز به این مسأله دامن می‌زند. براین اساس عده‌ای معتقدند که نظارت و مدیریت در این زمینه سخت بوده نهایتاً گردشگری را تهدیدی برای روستا به حساب می‌آورند.

بر این اساس گردشگری روستایی بدون مدیریت و نظارت همه جانبه در محیط روستایی راه به جایی نخواهد برد و اگر چه این صنعت می‌تواند به عنوان یکی از ابزارهای مهم در پیشبرد اهداف مدیریت و برنامه‌ریزی روستایی مؤثر باشد. خود این صنعت به توجه و شناخت جایگاه صحیح در ساختار مدیریت روستایی نیازمند است. در غیر این صورت گردشگری اتفاقی و بدون برنامه و مدیریت مشکلات اجتماعی و زیست محیطی فراوانی را برای مناطق روستایی و کل کشور به همراه خواهد داشت که در دراز مدت ضررها و مشکلات آن بیش از فواید آن خواهد بود. لذا قبل از هر اقدامی در جهت تدوین طرح‌ها و توسعه‌ی امکانات گردشگری در مناطق روستایی، می‌بایست ساختار مدیریتی آن را در رابطه با مناطق روستایی مشخص کنیم و جایگاه مناسبی را برای فعالیت در تدوین ساختار مدیریت روستایی در نظر داشته باشیم.

در برنامه‌ریزی منطقه‌ای نیز، می‌توان گردشگری روستایی را ابزاری برای افزایش اشتغال محلی و بهبود کیفیت زندگی دانست (جوان و سقایی ۱۳۸۳: ۱۱۳). بنابراین هدف از برنامه‌ریزی و مدیریت گردشگری روستایی، ایجاد توازن میان تقاضا و قابلیت‌های آن است تا بدون آن‌که منابع روستایی کاهش یابند، از روستا نهایت استفاده شود در ضمن، برنامه‌ریزی به منظور مدیریت گردشگری روستایی باید با هدف‌های توسعه روستایی هماهنگ باشد، در این صورت است که پایداری گردشگری روستایی تحقق خواهد یافت.

اثرات اقتصادی گردشگری روستایی

گردشگری روستایی به عنوان یکی از شاخص‌های مهم اقتصاد، در سطح ملی و بین‌المللی حرف اول را در جهان می‌زند و بیشتر کشورهای جهان به ویژه کشورهای در حال توسعه برای اقتصادی کردن مواهب فرهنگی «میراث» و طبیعی، برنامه‌ریزی کلان اقتصادی را مورد هدف قرار داده‌اند، زیرا کمبود امکانات اولیه معیشتی در مناطق روستایی، فقر اقتصادی و فقدان فرصت شغلی پایدار و مناسب به مهاجرت‌های بی‌رویه نیروهای بومی این مناطق به شهرها شده که حاشیه‌نشینی شهری، مشکلات اجتماعی در هر دو نقطه‌ی مبدا و مقصد را منجر شده است (قادری ۱۳۸۳: ۲). به این ترتیب توسعه آن در رفع این مشکلات بسیار کارساز است، زیرا یکی از اهداف مستقیم اقتصادی در برنامه‌ریزی گردشگری افزایش درآمد ملی و ایجاد شغل است و می‌تواند در جهت افزایش ذخایر ارزی حرکت کند (ولا و بیچریل ۱۳۸۴: ۱۹۵).

جدول ۱. اثرات مثبت و منفی اقتصادی گردشگری بر روی سکونتگاه‌های روستایی

اثرات مثبت اقتصادی گردشگری	مطالعات و تحقیقات
<ul style="list-style-type: none"> ✓ جذابیت گردشگری در بعد اقتصادی و جذب کردن کشورها ✓ رابطه علی بین گردشگری و اقتصاد، یک رابطه علی دو طرفه است ✓ جلوگیری از مهاجرت و ایجاد اشتغال ✓ بهبود سیستم‌های حمل و نقل و ارتباطات، سرمایه و انتقال پول و ارز در مقیاس‌های محلی، منطقه‌ای ✓ منبعی برای درآمد و رشد خلاقیت در اقتصاد جوامع روستایی ✓ بکارگیری استعداد و کشف منابع بالقوه در جهت کسب درآمد از طرق فروش تولیدات بومی ✓ توسعه زیرساخت‌های اقتصادی ✓ رشد و گسترش مشاغل و افزایش قدرت خرید جامعه میزبان ✓ ایجاد فرصت‌های شغلی و کاهش معضل بیکاری، تصحیح الگوی اشتغال و ایجاد ظرفیت‌های شغلی پایدار 	<p>ابراهیم زاده و همکاران ۱۳۸۵؛ طیبی و همکاران-۱۳۸۶ ص ۸۴-۸۴؛ بقائی-۱۳۹۰؛ شگری-۱۳۸۴ ص ۲۰۶؛ تولایی-۱۳۸۵ ص ۱۵؛ کاظمی-۱۳۸۵ ص ۱۴؛ محمود زاده-۱۳۸۲ ص ۲۸۴؛ رومیانی، ۱۳۹۰</p>
اثرات منفی اقتصادی گردشگری	مطالعات و تحقیقات
<ul style="list-style-type: none"> ✓ افزایش تقاضای فصلی برای خدمات عمومی از قبیل بهداشت، امنیت، پلیس و نیروی انتظامی ✓ افزایش قیمت مواد غذایی در فصول حضور گردشگران ✓ افزایش کاذب قیمت زمین و مسکن ✓ تعارض بین عرضه و تقاضای زمین و بی عدالتی در تقسیم آن ✓ فصلی بودن فرصت‌های شغلی ایجاد شده بوسیله صنعت گردشگری ✓ خارج کردن منافع اقتصادی از مناطق روستایی 	<p>زاهدی، ۱۳۹۰: ۴۳؛ پاپلی یزدی و همکاران، ۱۳۸۶، رضوانی و همکاران، ۱۳۹۰؛ افتخاری و مهدوی، ۱۳۸۵؛ علیقلی‌زاده فیروزجایی، ۱۳۸۷</p>

منبع: رومیانی، ۱۳۹۲

اثرات گردشگری از نظر اجتماعی و فرهنگی

بیشتر تحقیقات انجام گرفته در رابطه با تأثیر گردشگری با موضوع تأثیرات اجتماعی- فرهنگی آنها در مناطق روستایی در ارتباط می‌باشد. به طوری که گردشگری به بهبود سطح زندگی جامعه میزبان منجر شده- (Hall et al, 2002:28) و به تعامل یکپارچه در داخل جامعه محلی، تقویت روابط همسایگی و مشارکت عمومی و مدنی می‌انجامد (Stewart and Stynes, 2006).

جدول ۲. اثرات مثبت و منفی اجتماعی- فرهنگی گردشگری بر روی سکونتگاه‌های روستایی

مطالعات و تحقیقات	اثرات مثبت گردشگری اجتماعی- فرهنگی
لطیفی، یوسفی باصری: ۱۳۹۰؛ رضوانی: ۱۳۸۴؛ کارگر: ۱۳۸۶، ۱۵۰؛ رومیانی: ۱۳۹۰؛ سیمین تولای: ۹۵، ۱۳۸۵؛ کاظمی: ۱۳۸۲، ۱۰۴؛ شکویی: ۱۳۸۲، ۱۰۴	<ul style="list-style-type: none"> ✓ تبادل فرهنگی و آگاهی شدن از ارزش‌ها و کردارها سنن ملی اقوام گوناگون ✓ ارتقاء سطح فرهنگ و بینش اجتماعی ✓ افزایش روابط اجتماعی در جوامع دوره افتاده روستایی و ایجاد فرصت‌های برای مبادله فرهنگی ✓ ارتقاء شاخص کیفیت زندگی مانند افزایش خدمات رفاهی، تغییر کیفیت زندگی، بهبود وضعیت زندگی مردم ✓ بهبود وضعیت زندگی قشر خاصی از مردم منطقه، افزایش امکانات رفاهی و تغییر الگوی مصرف ✓ راهی است برای حفظ فرهنگی و تاریخی و حمایت از الگوهای رفتاری و آداب و سنن
مطالعات و تحقیقات	اثرات منفی گردشگری اجتماعی- فرهنگی
شارپلی ۱۳۸۰:۴۳؛ زاهدی، ۱۳۹۰: ۴۹؛ پاپلی یزدی، ۱۳۸۵: ۳۸؛ رومیانی، ۱۳۹۰	<ul style="list-style-type: none"> ✓ باعث افزایش جرم و جنایت در صورت عدم کنترل شدید در مقصد گردشگر ✓ ازدحام و شلوغی در جامعه میزبان که در پی آن آسایش مردم محلی مختل می‌شود ✓ فرهنگ‌های محلی تضعیف و معمولاً با فرهنگ‌های جامعه مهمان انطباق می‌یابد ✓ تقلید از الگوهای رفتاری و پوشاک گردشگران دچار عارضه مصرف‌گرایی

منبع: رومیانی، ۱۳۹۲

اثرات زیست محیطی

گردشگری و محیط زیست به طور متقابل به یکدیگر وابسته‌اند: از یک طرف محیط زیست فیزیکی (طبیعی و دست‌ساز انسانی) بسیاری از جاذبه‌ها و منابع توریستی را فراهم می‌سازد و از طرف دیگر توسعه گردشگری می‌تواند آثار مثبت و منفی بر محیط زیست داشته باشد- (Norris and Winston, 2007:25) (28). مقصود از محیط زیست، زمین، هوا، آب، گیاهان، حیات وحش و ساخته‌های دست بشر است (شکویی، ۱۳۷۵: ۱۱۲). محیط زیست نواحی روستایی یکی از منابع اصلی گردشگری روستایی به حساب می‌آید، که از زمان‌های گذشته همواره مورد استفاده شهرنشینان و دیگر گردشگران جهت تفریح و برآورده ساختن سایر انگیزه‌های آنان می‌شود (Marjavaara at al, 2010:72). بنابراین تأثیر روی محیط زیست به‌وسیله‌ی گردشگری موضوعی است که در دهه‌های اخیر توجه زیادی را به سوی خود جلب کرده است.

جدول ۳. اثرات زیست محیطی گردشگری بر روی سکونتگاههای روستایی

مطالعات و تحقیقات	اثرات مثبت گردشگری اجتماعی - فرهنگی
معصومی: ۱۳۷۹؛ رضوانی: ۱۳۸۶؛ کارگر: ۱۳۸۵، ۷۵	<ul style="list-style-type: none"> ✓ ارتفاع سطح آگاهی و ترویج فرهنگ زیست محیطی در راستای حفاظت از محیط زیست و بهسازی ✓ ایجاد انگیزه به منظور اعمال مدیریت محیط طبیعی و حفاظت دایم و مستمر آن ✓ استفاده از آبهای معدنی و درمانی، تفریحی، جنگل‌ها ✓ هم درآمد ایجاد می‌کند و هم انگیزه حفظ حمایت و آبادانی محیط زیست طبیعی روستا را ایجاد می‌کند ✓ تعامل گردشگری و محیط زیست اعم از طبیعی و با مصنوعی با یکدیگر ✓ دفع زباله، تنظیم آیین‌نامه‌های ترافیک و اصلاح منجر به بهبود محیط زیست در دهکده و روستاها
مطالعات و تحقیقات	اثرات منفی گردشگری اجتماعی - فرهنگی
پور رمضان و قاسمی و سمسه خانی ۱۳۸۸؛ ۱۳۶؛ صیدایی و همکاران، ۱۳۸۹؛ عنابستانی، ۱۳۸۸؛ ضیائی و همکاران، ۱۳۸۷؛ رضوانی و صفایی ۱۳۸۴	<ul style="list-style-type: none"> ✓ نابودی زیبای‌های طبیعی ✓ ایجاد مشکلاتی در زمینه‌ی کاربری اراضی در نواحی روستایی ✓ آلودگی‌های زیست محیطی، مثل آلودگی آب، ریختن زباله و... ناشی از ورود گردشگران ✓ قطعه قطعه شدن اراضی کشاورزی ✓ صدمه زدن به جاذبه‌ها بر اثر افزایش گردشگران

منبع: رومیانی، ۱۳۹۲

مشکلات موجود در ساختار مدیریت روستایی کشور در زمینه گردشگری

الف - نبود مدیریت تخصصی و جامع

یک مشکل مشخص و قابل توجه در کشور، کمبود مدیریت تخصصی و صحیح در میان روستاییان و کشاورزان در اجرای طرح‌های گردشگری روستایی است. اغلب این افراد اطلاعات و دانش و همچنین تجربیات اندکی نسبت به گردشگری روستایی دارند. لذا این مسأله برای انتخاب مناسب برنامه‌ها و پروژه‌ها در مناطق روستایی ایجاد مشکل می‌کند.

ب - بازاریابی

اغلب امکانات و دسترسی‌های روستایی تمایل دارند که در سطوح کوچک و تقریباً بی‌نظم گسترش یابند. این امر برای توان بالقوه‌ی گردشگری در مناطق روستایی ایجاد مشکل می‌کند که در نهایت باعث دسترسی‌های غیرممکن به امکانات رفاهی، آذوقه‌ای، خدماتی و جز این‌ها در این مناطق می‌شود.

ج - کمبود زیرساخت‌ها

اغلب مناطق روستایی در کشور دارای راه‌های نامناسب و نبود شبکه‌های حمل‌ونقل منظم و عمومی و یا شبکه‌های راه آهن هستند که این مشکل بزرگ بر سر راه توسعه‌ی گردشگری در این مناطق است.

د - محدودیت‌های فصلی برای گردشگری روستایی

و - بازده طولانی مدت سرمایه‌گذاری

ه - پایین بودن اطلاعات روستاییان درباره‌ی علایق گردشگران

ی - کمبود آموزش‌های لازم نسبت به معرفی و شناخت بیشتر این فعالیت در مناطق روستایی -

(قنبری ۱۳۸۷: ۱۴۸).

آموزش وسیله‌ای است که آدمی را حاکم بر شخص و سرنوشت می‌کند، آموزش کلید دموکراسی واقعی و مشارکتی است و صلح و توسعه پایدار با آن پیوندی ناگسستنی دارد. اما آموزش فقط به معنای یادگیری مطالب نیست، بلکه فراگیری پرداختن به عمل، فراگیری زیستن و به ویژه فراگیری همزیستی و فراگیری احترام به محیط زیست نیز می‌باشد (حسین‌زاده دلیر ۱۳۸۷: ۹۵).

راهبردهای گردشگری در توسعه روستایی

بررسی منابع موجود در زمینه گردشگری و فعالیت‌های مرتبط با آن در توسعه مناطق روستایی به سه راهبرد اصلی به شرح زیر اشاره دارد که به طور خلاصه به بررسی آن‌ها پرداخته شده است:

گردشگری روستایی به عنوان راهبردی برای توسعه روستایی

رشد گردشگری به عنوان راهبردی برای توسعه روستایی، نسبتاً تفکر جدیدی است که سیاستگذاران محلی در جوامع روستایی به اهمیت این راهبرد پی برده‌اند، اما تجربه کافی برای اجرای آن را ندارد. برخی برنامه‌ریزان نیز بر تأثیر گردشگری روی ارزش‌های فرهنگی و تأمین اجتماعی کار کرده‌اند. از منظر این دیدگاه، گردشگری راه‌حل و علاج قطعی اقتصادی برای توسعه روستایی است. در برداشتی جدید، با نگرش محتاطانه‌تر برخی از محققان گردشگری را به عنوان فرآیند برنامه‌ریزی یکپارچه که فرصت‌هایی را برای به حداقل رساندن مضرات و به حداکثر رساندن منافع توسعه است، معرفی می‌کند. در یک نگرش دیگر، گردشگری روستایی به عنوان موتور محرکه توسعه روستایی معرفی شده و دلایلی به شرح زیر برای آن ارائه گردیده است (رکن‌الدین افتخاری، مهدوی، ۱۳۸۴).

✓ مانند هر فعالیت صادراتی، گردشگری نیز منبع شغل و درآمد است.
 ✓ زنجیره‌ای از فعالیت‌های اقتصادی و خدماتی را به وجود می‌آورد.
 ✓ نواحی روستایی یا پدیده‌ای طبیعی را که ارزش اسنادی ندارند، مورد بهره‌برداری قرار می‌دهد.
 ✓ افزایش تقاضا برای صنایع دستی و هنرهای بومی
 از این رو توسعه گردشگری و حیطه فعالیتی توسعه گردشگری روستایی، با پوشش دادن زمینه‌های زیر می‌تواند در راستای نیل به اهداف توسعه روستایی به شرح زیر کمک کند:

- ✓ تأمین امنیت غذایی در نقاط روستایی
- ✓ کاهش اشتغال ناقص و از بین بردن بیکاری پنهان
- ✓ بهبود بخشیدن به درآمد و کیفیت عمومی زندگی در روستا
- ✓ جلوگیری از تخریب منابع طبیعی
- ✓ افزایش مشارکت روستاییان در تعیین سرنوشت خود

گردشگری روستایی به عنوان سیاستی در بازساخت سکونتگاه‌های روستایی

بازساخت، اصطلاحی است که شامل فرآیندهای مختلف اجتماعی- اقتصادی می‌شود. بازساخت، تغییر کیفی از یک وضعیت سازمانی به وضع دیگر است، فرآیند بازساخت شامل سرمایه‌گذاری نسبت به پیش فرض بحران‌ها یا حل آنهاست (پورا احمد؛ ۱۳۸۳: ۴۸). به عبارت دیگر، مفهوم بازساخت مثل هر نظام تفکر برانگیز، منشأ روشنگری سیاسی و اجتماعی دارد. از اواخر دهه ۱۹۶۰ و اوایل دهه ۱۹۷۰ مورد توجه متفکران جغرافیا و اقتصاد سیاسی قرار گرفت، اما تحلیل‌های ژرف آن مربوط به دهه ۱۹۸۰ می‌باشد. به طور کلی بازساخت جغرافیایی در مرحله اول روی دو عامل مهم تأکید می‌کند: ۱- تقسیم مکانی- فضایی کار؛ ۲- سرمایه‌گذاری، در مرحله دوم تأثیرات باز ساخت در سطوح محلی و جهانی مورد توجه قرار می‌گیرد (شکویی؛ ۱۳۸۲). با توجه به اینکه فعالیت‌هایی مانند کشاورزی، جنگلداری و نظایر آن به طور سنتی در مناطق روستایی استقرار یافته‌اند و با کاهش این فعالیت‌ها با توجه به پیشرفت‌های فنی که باعث کاهش تقاضا برای نیروی کار انسانی می‌شود، بعضی از مسئولان سکونتگاه‌های روستایی سعی می‌کنند که جامعه خود را به سمت ارائه خدماتی مانند گردشگری سوق دهند (افتخاری، ۱۳۸۱: ۳۲).

گردشگری روستایی ابزاری برای توسعه پایدار و حفاظت از منابع طبیعی

سیاست گردشگری پایدار در دنیای امروزی، رهیافت جامعی است که خواهان رشد بلندمدت صنعت گردشگری بدون برجا گذاشتن اثرات مخرب بر زیست بوم‌های طبیعی است و بر این نکته تأکید دارد که در قالب توسعه گردشگری، بشر قادر خواهد بود که جوانب خاصی از محیط در جهت مثبت یا منفی تعدیل یا دستکاری نماید. به عبارت دیگر، گردشگری پایدار قصد دارد تا آسیب‌های فرهنگی و محیطی ناشی از فعالیت‌های گردشگری را به حداقل رسانده، رضایت بازدیدکنندگان را فراهم ساخته و در درازمدت مقدمات رشد اقتصادی ناحیه را فراهم آورد. این راه به دست آوردن تعادل و موازنه بین رشد نهایی گردشگری و نیازهای حفاظت و نگهداری منابع طبیعی است (قادری، ۱۳۸۳: ۱۳۵).

اگرچه گردشگری روستایی با خلق فرصت‌های جدید باعث احیاء و بهبود شرایط زندگی ساکنان روستا می‌گردد؛ لیکن باید توجه داشت که توسعه گردشگری بدون مشارکت محلی و برنامه‌ریزی مناسب در محیط روستا، موجب آسیب‌های اجتماعی و زیست محیطی جبران‌ناپذیری خواهد شد.

انواع مشارکت در توسعه و برنامه‌ریزی گردشگری روستایی

بر اساس بررسی‌ها و مطالعه‌ی موجود در رابطه با موضوع مشارکت اجتماع روستایی در توسعه و برنامه‌ریزی گردشگری روستایی می‌توانیم به سه نوع مشارکت اشاره کنیم:

۱- مشارکت مارپیچی

۲- مشارکت در فرآیندهای تصمیم‌گیری

۳- سهمی شدن در منافع توسعه یا سود جستن از فرصت‌های توسعه

الف - مشارکت ماریچی

بر اساس نوشته‌های صاحب‌نظران، مشارکت ماریچی فرضیه‌ای پیشنهادی برای برنامه‌ریزی گروه‌های محروم اجتماعی به منظور مشارکت در توسعه است که در اوایل، با سهمی شدن در منافع و به تدریج با سهمی شدن در تصمیم‌گیری و برنامه‌ریزی شروع می‌شود. این فرضیه حاکی از آن است که مردم برای مشارکت در فعالیت‌هایی که در منافع آن سهمی‌اند، از آمادگی و توانایی بیشتری برخوردارند و علاقه و ظرفیت آنها با مشارکت در تصمیم‌گیری افزایش می‌یابد.

فرضیه ماریچی برای فرآیندهای برنامه‌ریزی ممکن است در مراحل گوناگون ارائه شود. در شروع مردم اثرات منفی توسعه، مثلاً تأثیرپذیران را می‌بینند و بعد به «بهره‌برداران یا ذی‌نفعان» تبدیل می‌شوند. در چنین شرایطی در اوایل مردم به تدارک و جبران خسارت می‌پردازند و سرانجام درگیر فعالیت‌هایی گوناگون می‌شوند که در منافع آنها سهمی‌اند. پس با آغاز مشارکت، ظرفیت‌های محلی تقویت و تحکیم می‌شود تا اینکه بهره‌برداران یا همان ذی‌نفعان افزایش یافته، به دریافت‌کنندگان خدمات که از ابتکار عمل و کنترل بیشتری برخوردارند و علاقه و ظرفیت آنها با مشارکت در تصمیم‌گیری افزایش می‌یابد.

در هر حال، نتایج بررسی‌ها نشان می‌دهد که مشارکت در اجتماعات روستایی با سهمی شدن در منافع توسعه و در واقع با ذی‌نفع شدن میسر است که به این ترتیب امکان موفقیت در روستاهای فقیر افزایش می‌یابد. هنگامی توسعه مطلوب است که مردم محلی در آن درگیر شده و بر پایه‌ی منابع و دانش خود در آن سهمی باشند.

ب - مشارکت با سهمی شدن در تصمیم‌گیری و فرآیندهای برنامه‌ریزی

مشارکت با سهمی در تصمیم‌گیری، مفهومی است که موقعیت غالب در جهان توسعه یافته ناشی شده است. منظور از مشارکت با سهمی شدن در تصمیم‌گیری ارتقای انتظام جدید اجتماعی و حل آسیب‌های اجتماعی است. در زمینه گردشگری، مشارکت با سهمی شدن در تصمیم‌گیری عبارت است از روشی برای ارتقای پایداری، تعادل توسعه‌ی اقتصادی و اجتماعی، برنامه‌ریزی همه‌جانبه‌ی مقاصد گردشگری، اطمینان از داشتن درکی از مکان، داشتن ارزیابی سریع مؤثر از موقعیت‌های پیچیده، توسعه ارزش‌های عمومی، ضمانت توزیع برابر منافع، و افزایش شناخت از ذی‌نفعان (طالب، و همکاران: ۴۲).

ج - مشارکت با سهمی شدن در منافع

مشارکت با سهمی شدن در منافع زمینه‌ساز فرصت‌هایی خوب برای مردمی است که برخلاف گذشته، به جای دریافت یکباره حمایت، اکنون می‌تواند با حمایت دیگران مانند تدارک کمک‌های مالی به خودشان

کمک کنند. در گردشگری، مشارکت با سهیم شدن در منافع به پایداری فرهنگ محلی، دارایی‌های عمومی و مهارت‌های صنعتی کمک می‌کند. همچنین مطالعات نشان می‌دهد که نتیجه مشارکت با سهیم شدن در منافع در گردشگری، فرصت‌هایی برای تشویق مردم به سرمایه‌گذاری در بهداشت، آموزش و سایر تسهیلات اجتماعی به وجود می‌آید و به بهبود مهارت‌های فنی، ارتباطات، داد و ستد مردم می‌انجامد- (wang,2006:37).

هدف از آغاز مشارکت با سهیم شدن در منافع، بیش از مشارکت در فعالیت‌های تصمیم‌گیری شکستن برخی سیاست‌های محلی و محدودیت‌های اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی در تصمیم‌گیری با موفقیتی بیش از مشارکت با سهیم شدن در منافع همراه باشد، با توسعه مشارکت، افراد و دستاوردهایی در زمینه کنترل بیشتر بر منابع اقتصادی، ایجاد اعتماد و کاهش وابستگی، افزایش روابط گروهی و ارتقای بیشتر مردم و شایستگی‌های اخلاقی و فنی خواهند داشت (wang,2006:38).

گرایش تعاملی در برنامه‌ریزی بر اصل مشارکت استوار است از طریق مشارکت در برنامه‌ریزی تعاملی است که افراد در فرآیند برنامه‌ریزی درگیر می‌شوند و به سهم خود در تعیین راهبردها و خط‌مشی‌ها و تنظیم برنامه‌های تفصیلی تأثیر می‌گذارند. اصل مشارکت در برنامه‌ریزی بر این نکته تأکید دارد که هیچ کس نمی‌تواند در حد کفایت برای دیگری برنامه‌ریزی کند. بنابراین بهتر است خود فرد در برنامه‌ریزی دخالت داشته باشد. ساده‌ترین دلیل برای این‌گونه برنامه‌ریزی آن است که به نتایجی بهتر می‌انجامد. البته دلیل دیگر نیز آن است که به مثابه نوعی انگیزش برای شرکت‌کنندگان در فرآیند برنامه‌ریزی عمل می‌کند- (رهنمود، ۱۳۸۵: ۱۶۰).

راهکارهای مدیریت مشارکتی گردشگری در ایران

وجود بسیاری از روستاهای توریستی در نقاط مختلف کشور نیازمند سیاست‌های پایدار و در خور دولتی و مشارکت بخش خصوصی برای توسعه گردشگری روستایی است. به دلیل خاصیت مخصوص بعضی از کالاها و خدمات مانند خدمات عمومی و زیرساخت‌های لازم برای توسعه صنعت گردشگری که سرمایه‌گذاری در آنها فاقد بازده اقتصادی می‌باشد. لازم است که دولت‌ها سرمایه‌گذاری‌های لازم را برای انجام اقدامات زیر بنایی در روستاها و مناطق موردنظر گردشگران، تحقق بخشند. همچنین برای بالا بردن کمیت و کیفیت خدمات و نیز افزایش رقابت اقتصادی باید از همکاری و مشارکت بخش خصوصی حمایت شود.

لازم است صنعت گردشگری با برنامه‌های توسعه روستایی همراه باشد و برای برنامه‌ریزی و مدیریت صحیح و هماهنگ گردشگری باید از تجربیات جهانی در این زمینه استفاده کنیم. از این واقعیت نباید غافل باشیم که عدم برنامه‌ریزی در امور گردشگری روستا می‌تواند زمینه نابودی روستا را فراهم آورد. در برنامه‌ریزی باید قابلیت‌های مناطق به لحاظ خدماتی، زیست محیطی، اجتماعی و فرهنگی و... سنجیده شود.

بنابراین باید میان تقاضا و این قابلیت توازن برقرار گردد و نهایت استفاده از روستا به عمل آید بدون اینکه منابع آن رو به کاهش نهند.

از آنجا که گردشگری روستا در ارتباط با روستا و فعالیت‌های آن است باید روستایی در روند برنامه‌ریزی، اجرا، گسترش آن مشارکت مؤثر داشته باشد. زیرا مشارکت مردم یکی از اساسی‌ترین و مؤثرترین مراحل هر برنامه‌ای است و باید کاری کنیم که مردم خدمات ارائه شده را مال خودشان بدانند و اگر می‌خواهیم فواید اقتصادی این طرح نصیب روستایی شود و در ضمن هویت اصلی روستا که در برگیرنده مواردی مانند معماری بومی روستا، فرهنگ بومی روستا، زیبای‌ها و... است را حفظ کنیم باید حمایت افراد روستایی را بطلبیم (راسق قزلباش ۱۳۸۸: ۱۰۶ و ۱۰۷).

روش توسعه گردشگری روستایی باید به صورتی باشد که بر فضای روستایی تأکید داشته باشد، یعنی مقیاس روستا، ویژگی‌های آن و ساختمان‌هایش طبق محیط اطراف باشند، از ساختمان‌ها و وسایل موجود که نشان‌دهنده ویژگی جامعه محلی هستند، استفاده کنند و از نظر قلمروی طبیعی، اجتماعی و فرهنگی محدود باشند تا بتوانند گردشگران را جلب کنند (منشی زاده ۱۳۸۲).

در سال‌های اخیر برای پاسخگویی به تهدیدها و آسیب‌های گردشگری، موضوع گردشگری پایدار مورد توجه محققان و مجریان امر گردشگری قرار گرفته است که در آن بر سه نکته مهم تأکید می‌شود:

- کیفیت: می‌تواند تجربه‌ای عالی به گردشگر ارائه دهد و همچنین باعث بهبود کیفیت زندگی جامعه میزبان و حفظ محیط شود.

- حفظ و دوام: منابع طبیعی و فرهنگ جامعه میزبان که منشاء تجربیات ارزنده است باید حفظ شوند.

- تعادل: بین نیازهای گردشگران، حمایت از محیط زیست و جامعه محلی نوعی تعادل و توازن باید برقرار باشد.

لذا لازم است برای حفظ و توسعه گردشگری و استفاده بهینه از آن، متناسب با شرایط محلی هر جامعه‌ای، از اصول گردشگری پایدار بهره بگیریم.

از دیدگاه منطقه‌ای، مهم‌ترین الگوی توسعه گردشگری آن است که بر پایه همکاری ناحیه‌ای و بین منطقه‌ای استوار باشد (رضوانی و صفایی، ۱۳۸۴).

در سال‌های اخیر استفاده از روش مشارکت محور به عنوان یک سیاست مهم در ارتقای شرایط محیطی تلقی می‌شود که لازم است در هر برنامه عمرانی از جمله برنامه‌ها و طرح‌هایی که با هدف رشد و گسترش صنعت گردشگری روستایی صورت می‌گیرد، از مشارکت ساکنان روستا و نهادهای مردمی آن متناسب با شرایط محیطی استفاده شود.

نتیجه‌گیری

هر فعالیتی در روستا مستلزم پاسخگویی روشن و شفاف به این دو مشکل عمده موجود در نواحی روستایی، یعنی فقر و بیکاری است گردشگری با توجه به توانایی‌های انکارناپذیر در اشتغال‌زایی و تعریف منابع درآمدی غیرکشاورزی می‌تواند در این میان راهگشا باشد. اما تجربه عمدتاً ناموفق حضور گردشگران در نواحی روستایی کشور به دلیل تحمیل هزینه‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی بر جامعه روستایی از یکسو و ناتوانی گردشگری رایج برای حل مشکلات اقتصادی نواحی روستایی از سوی دیگر، لزوم بازنگری و سیاست‌های توسعه گردشگری روستایی و آمیختن آن با کارآفرینی - به عنوان فرآیندی پویا و مؤثر در نیل به توسعه پایدار روستایی - را ضروری می‌سازد.

با در نظر گرفتن مبانی و اصول گردشگری پایدار در مناطق روستایی می‌توان بین جامعه میزبان، جامعه گردشگران، تورگردانان و محیط طبیعی روستا در راستای پایداری و انتفاع کلیه اجزاء تعادل برقرار ساخت. مشارکت و آموزش مستمر جامعه میزبان در اجرا و ارائه فعالیت‌ها و خدمات گردشگری، توزیع مداوم سود و زیان میان جامعه میزبان و جامعه گردشگران، حفاظت فعالانه محیط زیست توسط جامعه میزبان و جامعه گردشگران، هدایت سرمایه‌گذاری‌های بخش خصوصی در ایجاد زیر ساخت‌ها در چارچوب برنامه‌ریزی منطقه‌ای و محلی همراه با نظارت دولت و در نهایت ایجاد جاذبه و فعالیت‌های جدید در کنار جاذبه‌های اصلی برای حفظ جذابیت روستای هدف گردشگری از فاکتورهای توسعه موفقیت آمیز گردشگری روستایی می‌باشد.

صاحب‌نظران و محققان مختلف پس از بررسی تجارب کشورها و مناطق مختلف از توسعه گردشگری به طور عام و گردشگری روستایی به طور خاص، متفق‌القول بر نقش پر رنگ جوامع محلی به عنوان جامعه میزبان، در موفقیت فعالیت‌های گردشگری در منطقه تأکید می‌ورزند و از آن به عنوان اصلی‌ترین عنصر توسعه این‌گونه فعالیت‌ها یاد می‌کنند. براساس همین نتایج آنها معتقدند که در نواحی کم‌تر توسعه یافته و از جمله نواحی روستایی، توسعه گردشگری باید در وهله‌ی نخست پاسخی برای برآورده ساختن نیازهای اقتصادی ساکنان داشته باشد و در این میان فقر و بیکاری دو مشکل عمده این نواحی محسوب می‌شوند که توسعه فعالیت‌های گردشگری باید بتواند در کاهش این مشکلات ثمربخش باشد.

همکاری و مسئولیت‌پذیری کلیه اجزاء صنعت گردشگری برای تبدیل آن به موقعیت برنده برای کلیه اجزاء الزامیست. با توجه به عدم شناخت کافی از مفهوم و کارکردهای گردشگری روستایی در روستاهای هدف گردشگری، ایجاد آگاهی برای جامعه روستایی مبتنی بر قابلیت گردشگری روستایی برای تبدیل شدن به موقعیت شغلی مکمل از اولین گام‌ها در توسعه گردشگری روستایی خواهد بود به هر صورت توسعه گردشگری روستایی هم دارای اثرات مثبت و هم دارای اثرات منفی بر فرآیند توسعه منطقه میزبان خواهد بود، لذا نظارت و پایش مداوم و فعالانه دولت و سازمان‌های مرتبط برای هدایت صحیح توسعه گردشگری روستایی لازم می‌باشد.

سهیم شدن در تصمیم‌گیری در برنامه‌ریزی در میان گروه‌های ذینفع متعدد به طور عمده یک مفهوم اصلی در رویکردهای برنامه‌ریزی گردشگری محسوب می‌شود، اگرچه در حوزه مشارکت، تأثیرات مشارکت‌کنندگان و گروه‌های درگیر متغیر است، به علاوه سهیم شدن در تصمیم‌گیری در برنامه‌ریزی به عنوان یک روش برای رسیدن به توسعه گردشگری پایدار و ایجاد تعادل در توزیع منافع مرتبط با گردشگری در میان گروه‌های ذینفع متعدد تلقی می‌شود. در هر حال، مشارکت یک موضوعی است که آن سوی تکنیک‌های رویکرد برنامه‌ریزی است و به وسیله روابط قدرتمند، آگاهی‌ها و ارزش‌های دموکراتیک و فرهنگ، ساختار سازمان‌های مرتبط برحسب مقاصد متنوع تلقین می‌شود.

ساکنان محلی و روستاییان در سود و زیان حاصل از برنامه‌ریزی و توسعه در محل زندگی‌شان بهره‌مند می‌گردند. این امر در گردشگری روستایی مشهود است که مردم محلی یک رابطه‌ی همزیستی با محیط زیست‌شان دارند. بنابراین مشارکت جامعه در گردشگری، جزء ضروری توسعه گردشگری پایدار به ویژه در زمینه گردشگری روستایی است (تاج، ۱۳۸۲). راهکارهای اقتصادی در زمینه توسعه منطقه‌ای وابسته به آن است که به مقاصد گردشگری روستایی به عنوان مکانی برای یک تجارت کوچک نگریسته شود که در الگوی فضایی گردشگری در محیط روستا موزائیک‌وار در کنار سایر فعالیت‌ها قرار می‌گیرد. این نگرش کمک می‌کند تا در یک نظام منطقه‌ای هر مقصد «مکان» گردشگری زیر بخش برنامه‌ریزی منطقه‌ای محسوب می‌شود تا بتواند تخصیص‌های عمودی را در زمینه توسعه گردشگری به فعالیت‌های افقی تبدیل نماید. (زیاری ۱۳۸۸)

در ایران، شمار برنامه‌ریزی بهره‌مند از مشارکت اندک است. به ویژه در مواردی که جمعیت روستایی فقیر درگیر آن باشند، به منظور کاهش سلطه‌ی اقلیت بر منافع توسعه، باید در راستای ترفیع و ترویج عامه پسند مشارکت و نیز نظارت بر فرآیندهای برنامه‌ریزی که در حال حاضر مطلوبیت آن پدیدار شده است بر آگاهی مردم افزود (طالب و همکاران، ۱۳۸۷: ۴۰).

مشارکت، حتی در صورت برانگیخته شدن از سوی عوامل بیرونی، مستلزم، پذیرش پیشاپیش و شرکت ارادی افراد است. شناخت ویژگی‌های اجتماعی افراد در جامعه‌ی روستایی زمینه‌ساز طرح پروژه‌هایی است که در راستایی ایجاد تغییر و زمینه‌های لازم برای توسعه محسوب می‌شود (طالب ۱۳۷۶: ۳).

منابع و ماخذ

۱. آمار، تیمور، (۱۳۸۵)، بررسی و تحلیل گسترش خانه‌های دوم در نواحی روستایی «مطالعه موردی: بخش خورگام شهرستان رودبار»، فصلنامه چشم‌انداز جغرافیایی سال اول، شماره ۱.
۲. الغنمی، م، آر، (۱۳۷۰)، بحران فقر روستایی، آیا مشارکت می‌تواند آن را از بین ببرد؟ مجله روستا و توسعه، شماره ۵.
۳. بقایی، مصیب و نوروزی، امید، (۱۳۸۴)، توریسم روستایی منبع درآمدی برای روستا، دهیاری، شماره ۱۶.
۴. پاپ زن و دیگران، (۱۳۸۹)، مشکلات و محدودیت‌های گردشگری روستایی با استفاده از نظریه بنیانی، - (مورد: روستای حریر، استان کرمانشاه).
۵. پاپلی یزدی، محمد حسین و سقایی، مهدی، (۱۳۸۵)، گردشگری (ماهیت و مفاهیم)، انتشارات سمت.
۶. جوان، جعفر، سقایی، مهدی، (۱۳۸۳)، نقش توریسم روستایی در توسعه منطقه‌ای با تأکید بر مدیریت روستایی، مجله جغرافیا و توسعه ناحیه‌ای، شماره ۲.
۷. جمعه‌پور، محمود، (۱۳۸۵)، مقدمه‌ای بر برنامه‌ریزی توسعه‌ی روستایی: دیدگاه‌ها و روش‌ها، انتشارات سمت.
۸. حسین‌زاده دلیر، کریم، (۱۳۸۷)، برنامه‌ریزی ناحیه‌ای، انتشارات سمت.
۹. راستی قزلباش، سلیمان، (۱۳۸۸)، گردشگری روستایی و لزوم توجه به آن در برنامه‌های توسعه و آبادانی روستاها، مجله مسکن و محیط روستا (گردشگری روستایی)
۱۰. رضوانی، محمدرضا، و صفایی، جواد، (۱۳۸۴)، گردشگری خانه‌های دوم و اثرات آن بر نواحی روستایی، فصلنامه پژوهش‌های جغرافیایی، شماره ۵۴.
۱۱. رضوانی، محمدرضا، (۱۳۹۰)، برنامه‌ریزی توسعه روستایی در ایران، نشر قومس.
۱۲. رضوانی، محمدرضا، (۱۳۸۲)، تحلیل روند ایجاد و گسترش خانه‌های دوم در نواحی روستایی (مطالعه موردی: نواحی روستایی شمال استان تهران)، پژوهش‌های جغرافیایی، شماره ۴۵.
۱۳. رهنمود، فرج‌ا...، (۱۳۸۵)، دیدمان مشارکت، تهران: مؤسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه‌ریزی.
۱۴. صرافی، مظفر، (۱۳۷۹)، مبانی برنامه‌ریزی توسعه منطقه‌ای، انتشارات سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور.
۱۵. قادری، زاهد، (۱۳۸۳)، اصول برنامه‌ریزی توسعه فضایی گردشگری روستایی، سازمان شهرداریها و دهیاریهای کشور
۱۶. قنبری، یوسف، (۱۳۸۷)، گردشگری روستایی، رویکرد جدید در مدیریت روستایی کشور، پیک نور، سال هفتم، شماره سوم.

۱۷. طالب، مهدی، بخشی‌زاده حسن، میرزایی، حسین، (۱۳۸۷)، مبانی نظری مشارکت اجتماع روستایی در برنامه‌ریزی گردشگری روستایی در ایران، فصلنامه روستا و توسعه، سال ۱۱، شماره ۴.
۱۸. ولا، فرانسوا و بیچریل، یونل، (۱۳۸۴)، گردشگری بین‌المللی، ترجمه: محمد ابراهیم گوهریان و محمد مهدی کتابچی، نشر امیرکبیر.
۱۹. معتمدی مهر، اکبر و موسی پورمیاندهی، پری، (۱۳۸۵)، شناسایی و معرفی قابلیت‌های توریسم روستایی (شهرستان بندر انزلی)، فصلنامه چشم‌انداز جغرافیایی دانشگاه آزاد اسلامی واحد رشت، شماره ۱، سال اول.
۲۰. منشی‌زاده، رحمت‌ا...، ۱۳۸۲، گردشگری روستایی، انتشارات منشی، تهران.
۲۱. رومیانی، احمد. (۱۳۹۲). ارزیابی نقش جریان سرمایه شهری - روستایی در توسعه پایدار گردشگری، مطالعه موردی: دهستان حصار ولیعصر - شهرستان بوئین زهرا، عینالی، جمشید، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه زنجان، دانشکده علوم انسانی، گروه جغرافیا.
۲۲. جولیا شارپلی، ریچارد، (۱۳۸۰)، گردشگری روستایی، مترجمین: رحمت‌ا... منشی‌زاده، فاطمه نصیری، نشر منشی.
۲۳. پوراحمد، احمد (۱۳۸۳)، قلمرو جغرافیا، انتشارات دانشگاه تهران.
۲۴. شکویی، حسین (۱۳۸۲)، اندیشه‌های نو در فلسفه جغرافیا، فلسفه‌های محیطی و مکتبهای جغرافیایی جلد دوم، انتشارات گیتاشناسی
۲۵. رکن‌الدین‌افتخاری، عبدالرضا و مهدوی، داوود (۱۳۸۴)، راهکارهای توسعه گردشگری روستایی با استفاده از مدل SWOT دهستان لواسان کوچک، فصلنامه مدرس علوم انسانی، دوره ۱، شماره ۲، صص ۳۰-۱.
۲۶. خوشرو، رویا، (۱۳۸۸)، بررسی قابلیت‌ها و تنگناهای توسعه گردشگری روستایی با تأکید بر روستاهای هدف (نمونه موردی: دهستان شیرین‌دره قوچان)، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه فردوسی مشهد.
۲۷. قدمی، مصطفی، علیقلی‌زاده فیروزجانی. ناصر، بردی آنازاد. رحیم، (۱۳۸۸)، «بررسی نقش گردشگری در تغییرات کاربری اراضی مقصد (مطالعه موردی بخش مرکزی شهرستان نوشهر)»، مطالعات و پژوهش‌های شهری و منطقه‌ای، شماره ۳، صص ۴۲-۲۱.
۲۸. طالب، مهدی، (۱۳۷۶)، مدیریت روستایی در ایران، تهران: دانشگاه تهران.
۲۹. تاج، شهره، (۱۳۸۲)، مدلی برای توسعه اکوتوریسم، مجله دانشنامه، شماره ۴۴، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران.
۳۰. زیاری، کرامت ا...، (۱۳۸۸)، اصول و روش‌های برنامه‌ریزی منطقه‌ای، انتشارات دانشگاه تهران.

31. Gallent, N., Mace, A., Tewdwr-Jones, M., (2005), *Second Homes - European Perspectives and UK Policies*, Ashgate, London

32. Friedel M. and Chewings. V., (2008), Refining regional - development strategies - using a systems approach. Central Australian Tourism Futures Stage 2. Working paper 29. Desert knowledge crc
33. Dwyer L., Edwards D., Mistilis N., Roman C., and Scott N., (2009), Destination and enterprise management for a tourism future". *Tourism Management*, Vol. 30, No. 2, pp. 63-74.
34. OECD (2001), *the Well-Being of Nations: the Role of Human and Social Capital*, Paris
35. Fredrick, martha, (1992), "Tourism as a Rural Economic Development tool: An Explanation of the literature", bibliographies and literature of Agriculture, no. 122, u.s. Department of Agriculture Economic Research service, August.
36. lane, Bernard (1994), sustainable rural Tourism, strategies: at Tool Far development and conservation. *Journal of sustainable Tourism* vol 2, No s.1&2: 12-18
37. Wang gang (2006), Rural community participation in Tourism Development : Cases From Hainan Province, china . UN Published ph.D. Dissertation waterloo (Ontario): university of waterloo.